

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی
PDF Compressor Free Version

سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱

صفحات: ۱۳۳ - ۱۵۶

مقایسه برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی و شیوه برخورد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رژیم امنیتی NPT با این دو کشور

سعید کریمی کشه

دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر سیدعبدالعلی قوام (نویسنده مسئول)*

استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر علیرضا موسوی زاده

استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر مهدی ذاکریان امیری

دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

در دو دهه اخیر برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی به یکی از مسائل مهم جهانی تبدیل شده است. پرونده هسته‌ای این دو کشور از بزرگترین چالش‌های امنیتی بوده است که جامعه بین‌المللی تاکنون با آن مواجه گردیده است. هدف مشترک قدرت‌های بزرگ در برابر ایران و کره شمالی رویکرد هسته‌ای‌زدایی می‌باشد. اما استراتژی‌های دستیابی به این هدف، گزینشی و متناقض هستند. در این حین، نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بسیار کلیدی و پیچیده است. با توجه به این مسئله، سوال اصلی این پژوهش این است که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با توجه به مفاد رژیم امنیتی NPT در قبال برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی چگونه می‌باشد؟

در پی یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش، نویسندگان مقاله با استفاده از «نظریه

* نویسنده مسئول مکاتبات: s-a-ghavam@ Hotmail.com

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

رژیم‌های امنیتی بین‌المللی» سعی کرده‌اند اینگونه توصیف و تبیین نمایند که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با برنامه هسته‌ای برغم همکاری ایران و متابعت از رژیم امنیتی NPT و عدم همکاری کره شمالی و خروج از رژیم مزبور مطابق اساسنامه آژانس و NPT نبوده و کاملاً تبعیض‌آمیز، دارای پیچیدگی و متأثر از نفوذ و منافع اقتصادی و استراتژیک قدرت‌های بزرگ نظیر امریکا، چین و روسیه می‌باشد.

واژگان کلیدی: برنامه هسته‌ای، ایران، کره شمالی، رژیم‌های امنیتی بین‌المللی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

مقدمه

مسأله استفاده از انرژی هسته‌ای، امروزه توجه جهانیان را به خود معطوف ساخته است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ با هدف منع دولتها از انحراف مواد و تجهیزات هسته‌ای به مصارف نظامی و غیرصلح‌آمیز تأسیس شد و وظیفه بازرسی و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای دولتها را برعهده گرفت. اسناد گوناگونی به صورت عهدنامه‌های بین‌المللی وجود دارند که تعهداتی برای دولتهای عضو ایجاد می‌کنند و با برقراری چهارچوبی برای نظارت بین‌المللی در قالب رژیم‌های امنیتی بین‌المللی نظیر NPT، به کشورها حق برخورداری از انرژی صلح‌آمیز اتمی را می‌دهد.

تدوین رژیم‌های امنیتی بین‌المللی و اجرای آنها، روندی را از مذاکرات دوجانبه تا چندجانبه و بخصوص در عرصه سازمان ملل متحد طی کرده است. این روند توسعه را می‌توان در مذاکرات کنترل تسلیحات و تعاملات میان حکومت‌ها و منافع سیاسی مربوطه ردیابی کرد. این تعاملات بخصوص با توجه به نقش تسهیل‌کننده سازمان ملل و روند شکل‌گیری مقررات مربوطه از طریق آن حایز اهمیت می‌باشند. هرچند این روند با توجه به تنش‌های شدید دوران جنگ سرد کند بوده، ولی نهایتاً به نتیجه مهمی در تدوین مفاد چند رژیم بین‌المللی کنترل تسلیحات انجامیده است.

از جمله مهمترین نقش سازمان ملل متحد در زمینه نظارت و تأیید می‌توان به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فعالیت آن در چهارچوب سازمان ملل اشاره کرد. بطور کلی، تدوین یک رژیم کامل و موفق کنترل تسلیحات و امنیتی به تلاش‌های دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی وابسته است. در حقیقت، رویکرد حقوقی و سیاسی معاهده‌ها نقش بیشتری نسبت به مسایل فنی در اجرای معاهده‌ها دارند.

مسأله هسته‌ای ایران و کره شمالی مشابهت‌ها و تفاوت‌های زیادی با هم دارند که در این مقاله سعی شده است با تحلیل و بررسی قطعنامه‌ها و توجه به معاهدات منع اشاعه سلاح‌های

مقایسه برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی و شیوه برخورد آژانس ... ۵

اتمی به این موضوع پرداخته شود. ایران طی سال‌ها فعالیت هسته‌ای خود، همواره همکاری‌های گسترده و داوطلبانه‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسان آنها داشته و برنامه اتمی‌اش تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفته است. (بصیری، ۱۳۹۶: ۲۳۷-۲۳۴)

در جریان مذاکرات سال‌های اخیر برای حل ابهامات و اختلافات مربوط به پرونده هسته‌ای، همواره موضع ایران بر این بوده است که به موجب مواد ۳ و ۴ رژیم امنیتی منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای NPT کلیه کشورها از این حق برخوردار هستند که بدون تبعیض از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بهره‌برداری کنند و هیچ دولت یا مرجعی نمی‌تواند در اعمال این حق مانعی ایجاد کند. البته، بطور مکرر جامعه بین‌المللی را نیز محق دانسته که نسبت به صلح‌جویانه بودن فعالیت‌های مربوطه اطمینان حاصل کند و در این خصوص، همکاری‌های گسترده‌ای نیز داشته است. بنابراین، پس از چندین دور مذاکره در وین، لوزان و ژنو، در آخرین دور از مذاکرات برنامه هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، توافقی تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به تصویب رسید که قطعنامه‌های تحریمی را لغو اعلام کرده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مرجع راستی‌آزمایی اجرای فنی برجام در مورد ایران قرار داده بود. (Wade, ۲۰۱۶: ۷-۶)

کره شمالی همواره با درخواست آژانس بین‌المللی انرژی برای بازدید از تأسیسات هسته‌ای خود مخالفت کرده و اجازه بازرسی نداده است. کره شمالی هیچگاه تحت رژیم‌های امنیتی بین‌المللی اتمی نبوده است و حتی در سال ۱۹۹۴ از رژیم امنیتی NPT، خارج شده است. در حالی که ایران در بهترین شرایطی که امکان خروج از این معاهده را داشت، یعنی در دهه ۱۹۹۰، به این معاهده پای‌بند ماند و همین خود حکایت از صلح‌آمیز بودن روند هسته‌ای شدن ایران دارد.

آنچه مسلم است، موضوع هسته‌ای کره شمالی در مقایسه با ایران دارای پیچیدگی بیشتری است؛ چرا که این کشور به رغم آزمایش انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد و نیز آزمایش هسته‌ای، به نوعی بازدارندگی در قبال بازیگران مهم منطقه دست یافته است. با این وجود، جامعه جهانی با صدور قطعنامه‌هایی که در مقایسه با ایران شدت کمتری داشته، اقدام به تحریم کره شمالی کرده است.

با توجه به مطالب فوق، نویسنده مقاله در پی یافتن پاسخ مناسب به سوال ذیل می‌باشد: عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با توجه به مفاد رژیم امنیتی NPT در قبال برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی چگونه می‌باشد؟

در پاسخ به پرسش اصلی، نگارنده تلاش می‌کند فرضیه اصلی را اینگونه اذعان نماید که عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در رابطه با برنامه هسته‌ای برغم همکاری ایران و متابعت

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم و هشتم، پاییز ۱۳۹۸
از رژیم امنیتی NPT و عدم همکاری کره شمالی و خروج از رژیم مزبور مطابق اساسنامه آژانس و NPT نبوده و کاملاً تبعیض‌آمیز، دارای پیچیدگی و متأثر از نفوذ و منافع اقتصادی و استراتژیک قدرت‌های بزرگ نظیر امریکا، چین و روسیه می‌باشد.

پیشینه

در بسیاری از نوشته‌ها و مقالاتی که پس از امضای اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مفاد رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای NPT، توافق برجام و روی کار آمدن رییس‌جمهور امریکا، دونالد ترامپ، و روند خروج یک‌جانبه امریکا از برنامه جامع اقدام مشترک و بحث مذاکره رهبران کره شمالی و امریکا و مقایسه برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی و نقاط افتراق و اشتراک دو کشور به نگرارش درآمده می‌توان پاسخ مناسبی را در زمینه علت و چگونگی و تأثیر این حوادث یافت، زیرا آثار فراوانی در این حوزه از منظرهای گوناگون نگاشته شده است.

به هر حال، نگارنده در این زمینه کتاب‌ها و آثار ارزشمند ذیل را پیشنهاد می‌نماید، ضمن آن که خود نویسنده بهره کافی را از این منابع در نوشته‌های خود برده است.

محمد علی بصیری در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» بیان می‌کند که قدرت‌های بزرگ بطور جدی با توانمندی هسته‌ای کشورهای متعارض با منافع خود مخالف هستند. تجربه جنگ‌های جهانی، بخصوص جنگ جهانی دوم، نشان داد که توانمندی هسته‌ای بویژه در عرصه نظامی بسیار مهم است. بنابراین، هسته‌ای شدن ایران و کره شمالی با حساسیت ویژه‌ای از سوی دولت‌ها، سازمان‌ها، رسانه و خبرگزاری‌های غرب تحت تعقیب و نظر است. این امر را می‌توان به متعارض بودن منافع و سیاست‌های ایران و کره شمالی با کشورهای غربی دانست. مهدی شاپوری، نگارنده توافق هسته‌ای، برآوردی متن‌محور به برنامه جامع اقدام مشترک از منظر قدرت‌های جهانی و بازیگران منطقه‌ای پرداخته و به نقش‌آفرینی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این زمینه نیز توجه نموده است و آن را ناظر اصلی برنامه هسته‌ای ایران و برجام و نظارت‌ها و بازرسی‌های دوره‌ای معرفی می‌نماید.

قوام و محسنی در کتاب خود «دیالوگ میان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در آغاز هزاره سوم» ابراز می‌کنند که با ورود به هزاره سوم، همکاری و تعامل میان دو رشته روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بیش از پیش احساس شده که این خود می‌تواند بر تحولات جاری و آتی بین‌المللی تأثیر بسزایی بگذارد.

شی رو به موضوعات چگونگی ساخت اولین بمب اتمی توسط امریکا تحت پروژه منهتن در شهر لوس‌آلاموس ایالت نیومکزیکو و تلاش دانشمندانی نظیر آلبرت انیشتین، انریکو فرمی و

رابرت اوپنهایمر پرداخته و به چگونگی دستیابی دیگر قدرتهای بزرگ نظیر شوروی سابق نیز نگریسته شده است.

فویینگ از زوایای مختلف بحران هسته‌ای کره شمالی را در زمان های مختلف گذشته، حال و آینده مورد موشکافی قرار می‌دهد. ضمن بررسی روند صلح بین دو کره و نشست‌های تخصصی در سطح رهبران و کارشناسان دو کشور، عنوان می‌کند دستیابی به صلح دائمی بین دو کره در حاله‌ای از ابهام به سر می‌برد و در ادامه، به بحران هسته‌ای کره شمالی از منظر کشور چین متحد استراتژیک کره شمالی نگریسته می‌شود.

چهارچوب تئوریک

رژیم‌های بین‌المللی

رژیم‌ها مجموعه‌ای از اصول، رویه‌ها، هنجارها و قواعد حاکم بر موضوعات خاص در روابط بین‌الملل می‌باشند. اهمیت بررسی رژیم‌ها بدین جهت است که باعث تسهیل حکومت‌مداری جهانی در شرایط فقدان اقتدار مرکزی (آنارشی) می‌گردند. رژیم‌ها می‌توانند به صورت مقابله نامه‌ها، توافق نامه‌های بین‌المللی، پیمانها یا نهادهای بین‌المللی باشند. آنها را می‌توان در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، محیط‌زیست، حمل‌ونقل، امنیت، ارتباطات، حقوق بشر، کنترل تسلیحات، حقوق مولفین و جز اینها مورد توجه قرار داد. در حقیقت، رژیم‌ها در جاهایی خودنمایی می‌کنند که زمینه‌های منافع مشابه میان دولت‌ها وجود داشته باشد. (قوام و محسنی، ۱۳۹۷: ۳۳)

اگرچه نهادگرایان لیبرال و رئالیستها اذعان می‌کنند که رژیم‌ها یکی از ویژگی‌های مهم نظام بین‌الملل هستند و از ابزار مشابهی برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌کنند، اما به نتایج بسیار مختلفی درباره چگونگی شکل‌گیری رژیم‌ها می‌رسند. از نظر نهادگرایان لیبرال، ضرورت ایجاد رژیم‌ها از این جهت بوجود می‌آید که همواره خطری در نظام هرج‌ومرج‌آمیز بین‌الملل وجود دارد که استراتژی‌های رقابتی استراتژی‌های مبتنی بر همکاری را بی‌اثر خواهد ساخت. بنابراین، هدف آنها جلوگیری از استراتژی‌های رقابت‌جویانه است که در موارد دیگر، پاسخ عقلانی در نظام ساختار هرج‌ومرج‌آمیز محسوب می‌شوند.

جالب اینجاست که رئالیستها در مقابل، با توجه به دیدگاه‌های سنتی، پیدایش رژیم‌ها را منوط به شرایطی می‌دانند که در آن تمایل متقابل جهت همکاری وجود دارد، اما در عین حال، هرج‌ومرج مشکلی برای هماهنگ‌سازی بوجود می‌آورد. رئالیستها مجدداً بر خلاف نهادگرایان لیبرال، فرض می‌کنند که انگیزه‌ای وجود ندارد تا هماهنگ‌سازی را که یکبار به وجود آمده، کنار گذاشت. این دو رویکرد به مفاهیم متفاوتی درباره قدرت اعتقاد دارند. از نظر نهادگرایان لیبرال قدرت را می‌تواند یک هژمون به کارگیرد تا بقیه دولت‌ها را وادار به همکاری و پذیرش رژیم‌ها

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸
کند. اما اذعان نشده است که دولتها می‌توانند در نبود قدرت هژمونیک، به ایجاد و تقویت رژیمها بپردازند. استراتژیهای همکاری‌جویانه به خاطر سایه آینده در پیش گرفته شده و تقویت می‌گردند، درک متقابل این موضوع که اگر دولتی از یک رژیم روی‌گردان شود، نتیجه آن رویگردانی گسترده دولتها بر مبنای اصل تلافی است و دولتها از نتیجه مطلوب به نتیجه غیرمطلوب می‌رسند. بدون شک دولتهایی که نقش اصلی را بازی می‌کنند، رژیمها را ایجاد می‌کنند و از بقیه دولتها توقع دارند تا از رژیمها پیروی کنند.

آنچه که مسلم است رژیمهای بین‌المللی، رفتار همکاری‌جویانه را در سطح بین‌المللی گسترش داده و با وجود آنارشی در نظام بین‌المللی، آشفتگی و هرج‌ومرج را متناوباً در پی نخواهند داشت و همکاریهای بین‌المللی به حیات خود ادامه خواهند داد. روزی نیست که قاعده و یا عرف جدیدی شکل نگیرد. رژیمهایی همچون حقوق بشر، رژیمهای پولی، رژیمهای محیط‌زیست، ارتباطات و امنیتی همچون NPT, MTCR و ... هر روز به فعالیت خود ادامه داده و تحت شرایطی ایجاد و یا فسخ می‌شوند. (کریمی‌کشه، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۲)

رژیمهای امنیتی بین‌المللی

اگرچه رژیمهای امنیتی عمدتاً پدیده‌ای قرن بیستمی هستند که به دولتها اجازه می‌دهند تا از مشکلات و تنگناهای امنیتی بگریزند، اما می‌توان نمونه‌های پیشین را نیز شناسایی نمود. به عنوان مثال، کنسرت اروپا رژیمی را تشکیل می‌داد که بعد از جنگهای ناپلئونی، دولتهای محافظ‌کار اروپا برای مقابله با انقلاب‌ها و مخاصمات آینده آن را ایجاد کرده بودند. با این حال، تلاشهای مستمر برای ایجاد رژیمهای تمام‌عیار امنیتی تنها در قرن بیستم و بویژه با شروع جنگ سرد رو به گسترش گذاشت. اما کارآمد بودن این رژیمها اغلب مورد تردید قرار گرفته است.

با این وجود، موافقتنامه‌های کنترل تسلیحاتی نیز وجود داشته است که به نظر می‌رسد رژیمهای امنیتی شکننده‌ای را ایجاد کرده‌اند. موافقتنامه منع آزمایش محدود در سال ۱۹۶۳ بدون شک ممنوع کردن آزمایشهای جوی را تشویق می‌نمود. موافقتنامه منع گسترش تسلیحات هسته‌ای سال ۱۹۶۸ همچنان بعنوان قید و بندی برای افزایش تعداد دولتهای دارنده تسلیحات هسته‌ای محسوب می‌شود. این موافقتنامه را بیش از ۱۸۷ کشور - اکثریت عظیم کشورها در نظام بین‌الملل امضاء کرده‌اند. این رژیم اگرچه بی‌ثبات است، اما از حمایت گسترده‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که اگر کشوری این موافقتنامه را نقض نماید، با مخالفت گسترده‌ای روبرو خواهد شد. (بیلیس واسمیت، ۱۳۹۳: ۶۸۶-۶۸۴)

رژیمهای امنیتی وقتی شکل می‌گیرند که گروهی از کشورها برای حل اختلاف‌ها و

جلوگیری از جنگ با یکدیگر همکاری می‌کنند تا تنگنای امنیتی ناشی از اقدامات آنها و فرضیات آنها درباره رفتارهای دیگران برطرف شود. رژیم‌های بین‌المللی خصوصاً بخش‌های امنیتی آنها توسط صاحبان قدرت به وجود می‌آیند و توسط همین قدرتهای بزرگ است که روزی نابود می‌شوند و در چهارچوب این رژیم، هیچ جایگاه مهمی برای کشورهای جهان سومی نظیر ایران و کره شمالی نمی‌توان قائل گردید.

نقاط اشتراک و افتراق برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی

اعمال تحریم‌ها علیه ایران و کره شمالی با توجه به منافع اقتصادی و استراتژیک متفاوت اعضای دائم شورای امنیت در مناطق مختلف جهان به گونه‌ای تبعیض‌آمیز شکل گرفته است. همین امر موجب شده تا موضوع و هدف تحریم‌ها علیه ایران و کره شمالی هماهنگی و همخوانی نداشته و اعمال نفوذ و چانه‌زنی گسترده‌تری چون آمریکا، چین و روسیه نقش مهمی در میزان شدت تحریم‌های اعمال شده علیه این دو کشور داشته باشد. (Einhorn, ۱۹: ۲۰۱۶)

در این خصوص، دو کشور ایران و کره شمالی دارای نقاط اشتراک و افتراق متعدد بوده که شامل موارد ذیل می‌گردند. الف- شباهتهای بین دو کشور به ترتیب شامل این موارد می‌گردد: ۱- هدف قدرتهای بزرگ در هر دو کشور، تغییر رژیم و تغییر رفتار است. ۲- هر دو در لیست محور شرارت و کشورهای حامی تروریسم هستند. ۳- از نظر قدرتهای بزرگ، ساختار تصمیم‌گیری در دو کشور خواستار فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز نبوده و بدنبال اهداف مخربند. ۴- هر دو کشور خواستار برتری در مذاکرات، پیش‌شرط و غیره می‌باشند. ۵- استراتژی قدرتهای جهانی در قبال هر دو کشور شامل سیاست تشکیل ائتلاف‌های چندجانبه، تحریم و اعمال فشار دیپلماتیک است. ۶- ورود چین بعنوان واسطه همکاری‌های تکنولوژی و اقتصادی میان ایران و کره شمالی. ۷- هر دو کشور معتقد به فرایند مذاکره بر حل بحران هسته‌ای هستند و از چندجانبه شدن مذاکرات استقبال می‌کنند. ۸- دو کشور ایران و کره شمالی با موضع انقلابی، خواهان تغییر نظام بین‌الملل هستند. ۹- هر دو کشور مورد حمله نظامی مستقیم و غیرمستقیم غرب قرار گرفته‌اند. (Coats, ۲۰۱۸: ۱۰-۸)

ب- تفاوتها میان دو کشور شامل موارد ذیل می‌باشد: ۱- ایران یکی از سابقه‌ترین کشورها برای اجرای دموکراسی است، دارای سیستم انتخابات و اپوزیسیون در مجلس است، در حالی که کره شمالی یک حکومت کمونیستی و توتالیتر می‌باشد. ۲- ایران داوطلبانه رژیم امنیتی NPT را امضا کرده، در حالی که کره شمالی تحت فشار شوروی سابق آنرا امضا کرده است. ۳- ایران مهمترین قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه است، در حالی که نام کره شمالی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

مترادف با فقر و گرسنگی است. (Bates, ۲۰۱۵: ۲۲) ۴- کره شمالی به بمب هسته‌ای دست یافته و از رژیم امنیتی NPT خارج شده، در حالی که ایران همواره اعلام کرده استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای دارد و بر تعهداتش پایبند خواهد بود. ۵- در جایگاه بین‌المللی، کره شمالی یک کشور منزوی است، در حالی که ایران در جهان اسلام و کشورهای غیراسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. ۶- تفاوت در بازیگران رقیب، مهمترین نیروها علیه کره شمالی: امریکا، کره جنوبی، ژاپن و برعلیه ایران: امریکا، اروپا، اسرائیل و تا حدی کشورهای عربی هستند. به لحاظ سیاسی، وزن نیروهای رقیب علیه ایران سنگین‌تر است. ۷- ایران بدنال شفافیت در برنامه هسته‌ای خود است، اما کره شمالی هیچ شفافیتی در برنامه هسته‌ای خود ندارد. ۸- کره شمالی تا حدی از اقتصاد جهانی کنار گذاشته شده است، ولی ایران یک منبع مهم در اقتصاد جهان است. ۹- اهداف امریکا در قبال کره شمالی بطور گسترده‌ای متمرکز بر منع گسترش بیشتر پیشرفت فناوری در کوتاه‌مدت و خلع سلاح هسته‌ای کامل هدف نهایی است. اما تحریم ایران با هدف تعلیق چرخه سوخت هسته‌ای و نظارت بر برنامه هسته‌ای آن کشور است. از کشورهای موثر در این رابطه، چین و روسیه تعامل سیاسی بیشتری را در برنامه اتمی کره شمالی نشان داده‌اند. ۱۰- تفاوت در خلاقیت دیپلماتیک نیز در این رابطه بسیار مهم است. ۱۱- کره شمالی بعلاوه حمایت چین و روسیه، با فشار زیادی از سوی جامعه جهانی مواجه نیست، در صورتی که حتی قصور سهوی جزئی کشورهای دیگر نظیر ایران در انجام تعهدات خود موجی از جنجال و فشارهای بین‌المللی را در پی دارد. ۱۲- ایران دارای ذخایر عظیم نفت و گاز بوده و کشوری تأثیرگذار در تصمیمات متخذه در اوپک می‌باشد، در حالی که کره شمالی فاقد منابع نفت و گاز بوده و تنها منابع معدنی آن جهت صادرات زغال سنگ، تنگستن و فولاد می‌باشد و به همین دلیل، برای تأمین انرژی بسیار آسیب‌پذیر می‌باشد. (شاهپوری، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۶)

یکی از وجوه افتراق ایران و کره شمالی این است که برخلاف ایران، کره شمالی دارای وسیله انفجاری هسته‌ای بوده و آن را آزمایش نموده است. کره شمالی از عدم اجماع و قاطعیت کشورهای شرکت‌کننده در گفتگوهای شش‌جانبه در راستای منافع خود بهره‌برداری می‌کند.

طی سال‌های اخیر، تحریم‌هایی علیه ایران و کره شمالی اعمال شده تا این کشورها را وادار به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود کنند. اعمال و تشدید تحریم‌ها علیه ایران و کره شمالی با توجه به منافع اقتصادی و استراتژیک متفاوت اعضای دائم شورای امنیت در مناطق مختلف جهان به گونه‌ای تبعیض‌آمیز شکل گرفته است. موضوع هسته‌ای کره شمالی در مقایسه با ایران دارای پیچیدگی بیشتری است، چرا که این کشور برغم آزمایش انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد و نیز آزمایش‌های هسته‌ای (هفت آزمایش هسته‌ای سالهای ۲۰۱۷-۲۰۱۶-۲۰۱۶-۲۰۱۳-۲۰۰۹-۲۰۰۶) به نوعی بازدارندگی در قبال بازیگران مهم منطقه شرق

دور نظیر ژاپن و کره جنوبی دست یافته است.

با وجود این، جامعه جهانی در واکنش به این فعالیت‌های کره شمالی صرفاً اقدام به تصویب چند قطعنامه تحریمی محدود نموده است (قطعنامه‌های شماره ۲۳۹۷-۲۳۷۵-۲۳۷۱-۱۸۷۴-۱۸۱۷-۱۶۹۵) که در مقایسه با تحریم‌های ایران شدت کمتری داشته است. در همین رابطه، برغم عدم اثبات نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های شدیدی علیه ایران اعمال شده (قطعنامه‌های شماره ۱۹۲۹-۱۸۳۵-۱۸۰۳-۱۷۴۷-۱۷۳۷-۱۶۹۶) که نشان‌دهنده اعمال برخوردهای تبعیض‌آمیز و بکارگیری معیارهای دوگانه از سوی کشورهای غربی است. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۵)

پادمان امروزه در اصطلاح به مقررات نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته می‌شود که شامل انواع بازرسی‌ها می‌شود. از زمان تأسیس آژانس، سامانه‌های پادمان‌های آن به‌عنوان ابزار ضروری عدم تکثیر سلاح هسته‌ای عمل کرده است. NPT انعقاد موافقتنامه‌های پادمانی (نظارتی) جامع با آژانس را توسط کشورهای عضو اجباری می‌نماید. تاکنون سه نوع الگوی پادمانی توسط آژانس مورد تصویب قرار گرفته است که شامل: موافقتنامه پادمانی جامع معروف به سند ۱۵۳، موافقتنامه پادمانی ۶۶ و پروتکل الحاقی ۲+۹۳ می‌باشد. (شی رو، ۱۳۹۵: ۵۰)

هر دو کشور ایران و کره شمالی عضو NPT بودند (ایران از سال ۱۹۶۸ و کره شمالی از سال ۱۹۸۵) با این تفاوت که کره شمالی بطور یکجانبه و با صلاحدید خود به یکباره در سال ۱۹۹۴ از NPT خارج شد (این روند در سال ۲۰۰۳ کامل گردیده است) و به آزمایشات هسته‌ای خود تا به امروز ادامه داده است. دولت آمریکا همواره اعلام نموده است که برنامه هسته‌ای ایران را جدی‌ترین تهدید علیه منافع و امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. روند برنامه هسته‌ای ایران در نهایت، پس از چندین دور مذاکره میان ایران و گروه ۵+۱ منجر به صدور قطعنامه ۲۲۳۱ از سوی شورای امنیت و انعقاد توافقنامه بین‌المللی برجام گردیده است.

دو هدف عمده کره شمالی در ساخت بمب هسته‌ای: ۱- پاسخ به معمای امنیت: یعنی منجر به بازدارندگی ۲- کسب پرستیژ است. علت این که کره شمالی به سمت بمب اتمی رفته است: رهایی از انزوای سیاسی و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا، ژاپن و کره جنوبی است. علت دیگر، بی‌اعتمادی کره شمالی به تعهدات کشورهای طرف مذاکره است. کره شمالی برای بازگشت به ان‌پی‌تی بدنبال تضمین و امتیازات اقتصادی می‌باشد. آمریکا در پی منزوی ساختن کره شمالی است. (قربانی، ۱۳۹۶: ۴۰) اگرچه از نظر ماهیتی می‌توان پرونده هسته‌ای کره شمالی را بی‌ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران دانست، اما محیط امنیتی و شرایط سیاسی که این دو پرونده در بستر آن شکل گرفته و به مرحله کنونی رسیده است تا حد بسیاری به هم شبیه و از برخی جهات به هم وابسته‌اند.

رویکرد قدرتهای بزرگ جهانی به برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی

۱- جمهوری خلق چین

چین به عنوان متحد نزدیک کره شمالی برای بیش از نیم قرن، دریافت است که تنها با کمک کردن به رژیم پیونگ یانگ از طریق ارسال کمک‌های منظم غذایی و نفتی خواهد توانست وجود دولتی باثبات در مرزهای شمال شرقی خود را تضمین نماید. از زمانی که پکن در سال ۱۹۷۹ سیاست اقتصادی درهای باز را در پیش گرفت، هویت ایدئولوژیکی این کشور با کره شمالی به طور قابل ملاحظه‌ای دچار تغییر شد؛ هرچند تلاش‌ها برای حفظ روابط دوستانه با این کشور همچنان به عنوان اولویت مهم سیاست خارجی چین ادامه یافت. (Glaser and Liang, ۲۰۰۸: ۱۷۳)

چین در شبه‌جزیره کره نه تنها به دنبال تداوم توسعه روابط با کره شمالی، بلکه حفظ و گسترش نفوذ خود در شمال نیز می‌باشد. این کشور برخلاف امریکا مصمم است تا از فروپاشی کره شمالی جلوگیری به عمل آورد. چین آخرین متحد رسمی، بزرگترین شریک تجاری، تأمین‌کننده اصلی انرژی و منبع مهمی در ارسال کمک‌های بشردوستانه و سرمایه‌گذاری در کره شمالی می‌باشد. چین همواره شبه‌جزیره کره را به عنوان حوزه نفوذ خود قلمداد کرده و برای اتحاد مجدد شبه‌جزیره کره از طریق اصلاح اقتصادی این کشور فعالیت می‌کند. در همین راستا، چین سیاست عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، عدم وقوع جنگ و عدم فروپاشی رژیم کره شمالی را در رأس سیاست‌های خود قرار داده است. این مسئله نشان می‌دهد که زمانی منافع چین در شبه‌جزیره کره تأمین خواهد شد که کره شمالی در جهت اصلاحات اقتصادی، به ویژه اتخاذ رویکرد سیاست درهای باز گام بردارد. (Alexandre, ۲۰۱۴: ۱۰۳)

چین زمانی قادر خواهد بود به منافع و اهداف استراتژیک خود در منطقه دست یابد که سیاست میانه و متعادلی را نسبت به کلیه بازیگران مهم و تأثیرگذار بر روند تحولات شبه‌جزیره اتخاذ نماید، بدین معنا که ناچار به انتخاب و گزینش میان بازیگران برای تداوم و توسعه روابط و همکاری‌ها نباشد. زیرا چین از یک طرف دارای روابط مهم و ارزشمندی با امریکاست و از طرف دیگر، در مورد عاری‌سازی شبه‌جزیره کره از سلاح‌های هسته‌ای در منطقه با امریکا و سایر کشورهای قدرتمند دارای اشتراک نظر می‌باشد. چین در گفتگوهای شش‌جانبه تلاش خواهد کرد تا به منظور کسب وجهه منطقه‌ای مدنظر خود نقش مهمی را در پیشبرد موفقیت‌آمیز گفتگوها و کسب نتایج مطلوب از آن ایفا نماید. گسترش صلح و ثبات منطقه‌ای نه تنها رشد اقتصادی چین، بلکه تسلط و نفوذ منطقه‌ای این کشور را بیش از پیش افزایش داده و با کاستن از قدرت و نفوذ منطقه‌ای امریکا، مانع از احیای مجدد قدرت منطقه‌ای ژاپن خواهد شد.

بنابراین تداوم همکاریها با کلیه کشورها از جمله کره شمالی می‌تواند تضمین‌کننده رشد و توسعه فزاینده اقتصادی و سیاسی چین در آینده باشد. از این رو، چین با احتیاط بیشتری نسبت به تحریم‌های اعمال شده علیه کره شمالی واکنش نشان داده و نهایت تلاش خود را در جهت تعدیل و کاهش تحریم‌ها علیه این کشور به کار می‌گیرد. (آزکان، ۱۳۹۷: ۵۶)

در مقابل، چین به عنوان عضو NPT کشوری متعهد به حمایت از عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، عدم ارائه کمک‌هایی برای توسعه و انتقال سلاح‌های هسته‌ای به دولتهای فاقد این سلاح‌ها و بازیگران غیردولتی و ممانعت یا حتی مخالفت با دستیابی دولتهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای به این گونه سلاح‌ها می‌باشد. لذا، این کشور متعاقب آزمایش هسته‌ای کره شمالی در اکتبر ۲۰۰۶ به گونه‌ای بی‌سابقه از اعمال تحریم‌ها در چهارچوب قطعنامه ۱۷۱۸ حمایت کرد. (Shen, ۲۰۰۶: ۵۹)

هدف چین از این اقدام، تقویت هرچه بیشتر روابط با کره شمالی، اما به گونه‌ای خاص و بر اساس شروط خاص این کشور بود. چین با صدور اعلامیه شدیدالحنی در محکومیت آزمایش هسته‌ای کره شمالی و حمایت جدی از قطعنامه ۱۷۱۸ امیدوار بود رهبر کره شمالی نسبت به خطرات ناشی از موضع‌گیری اخیر چین آگاهی یافته و از انجام اقدامات بیشتر که می‌تواند تهدیدکننده منافع چین در شبه جزیره باشد، اجتناب ورزد؛ زیرا این مسئله امنیت، ثبات و منافع پیونگ یانگ را نیز با چالش و بحران روبرو خواهد کرد. چین نگران آن است که کره شمالی مسلح به سلاح‌های هسته‌ای با زیر پا گذاشتن رژیم عدم اشاعه بتواند معاهده NPT را تضعیف نماید.

این کشور تاکنون بنا به دلایلی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، مخالف جدی اعمال تحریم‌های اقتصادی بر کره شمالی است. ۱- محدود کردن کمک‌های غذایی و سوخت می‌تواند بی‌ثباتی و حتی فروپاشی رژیم کره شمالی را در پی داشته باشد که تحقق این مسئله خود عاملی برای هجوم مهاجران و آوارگان کره‌ای به چین خواهد شد و امنیت مرزهای این کشور را با تهدید جدی روبرو خواهد کرد. ۲- پکن قویاً مخالف این دیدگاه امریکاست که اعمال فشار بر پیونگ یانگ نهایتاً به تسلیم و پایبندی کره شمالی به رژیم عدم اشاعه منجر خواهد شد. چین بر این باور است که وضع تحریم‌های اقتصادی تنها موجب تهاجمی‌تر و غیرقابل‌پیش‌بینی‌تر شدن سیاست خارجی این کشور می‌شود. ۳- چین معتقد است وضع تحریم‌های اقتصادی می‌تواند بیشترین صدمات را بر بخش آسیب‌پذیر جامعه، یعنی روستاییان، و نه نخبگان شهری و نظامیان وارد کند. ۴- نگرانی چین از این است که مشارکت این کشور در اعمال تحریم‌های جامع و گسترده بر کره شمالی، آسیب جبران‌ناپذیری را بر روابط دو کشور وارد ساخته و نفوذ چین را بر پیونگ یانگ کاهش دهد. (شاهپوری، ۱۳۹۷: ۲۳)

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸
موضع چین در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران نیز به گونه‌ای است که این کشور احساس می‌کند به واسطه روابط گسترده اقتصادی و انرژی خود با ایران، به ویژه در زمینه تأمین سوخت مورد نیاز جهت افزایش رشد اقتصادی کشور بطور پیوسته تحت فشار است، چرا که تأمین سوخت از اهمیت بسیاری برای چین برخوردار است.

بنابراین، مشابه آنچه در مورد مواضع چین نسبت به کره شمالی گفته شد، به شکلی دیگر در خصوص ایران نیز صادق است. سیاست چین در قبال توسعه سلاح‌های هسته‌ای توسط کره شمالی نشان داده که پکن اولویت بیشتری برای رژیم عدم اشاعه قائل است. زیرا این کشور نمی‌خواهد شاهد اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به بازیگران دولتی و غیردولتی مناطق مختلف جهان به ویژه خاور میانه باشد. لذا، همانگونه که چین ترجیح می‌دهد تا موضوع کره شمالی را از طریق گفتگوهای شش‌جانبه و نه شورای امنیت پیگیری کند تا گرفتار بی‌ثباتی و ناامنی منطقه شرق دور در نتیجه وضع تحریم‌های سخت اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل نشود، به همان میزان نیز خواستار حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع هسته‌ای ایران نه از طریق تحریم‌های جدی شورای امنیت، بلکه از طریق گفتگو است. از لحاظ منطقه‌ای، اقتصاد چین همچنان به رشد سریع خود ادامه می‌دهد و منافع پکن در خاور میانه نیز در حال افزایش است. چین به منظور ارتقای روابط دوستانه با کشورهای منطقه نیازمند خاور میانه باثبات و آرام است. یک محیط مستعد اشاعه وضعیت منطقه را پیچیده‌تر ساخته و احتمالاً به منافع چین آسیب خواهد زد. پکن معتقد است توسعه سلاح‌های هسته‌ای یا مسابقه تسلیحات هسته‌ای منطقه خاور میانه را بی‌ثبات کرده و امنیت انرژی را که از اهمیت بسیاری برای چین برخوردار است، دچار مشکل کرده است. (Ying, ۲۰۱۷: ۵-۶)

لذا، این کشور تمام تلاش خود را برای افزایش چانه‌زنی‌ها در مورد وضع تحریم‌های بیشتر علیه ایران توسط شورای امنیت بکار برده است. اگرچه چین، امریکا را در دستیابی به هدف عاری‌سازی شبه جزیره کره از سلاح‌های اتمی همراهی می‌کند، اما این اقدام چین صرفاً بدلیل نگرانی از احتمال استفاده کره شمالی از سلاح‌های هسته‌ای علیه این کشور نمی‌باشد، بلکه به علت واکنش‌های احتمالی سایر کشورهای قدرتمند به بحران شکل‌گرفته در منطقه نیز خواهد بود.

رهبران چین همواره توسعه سلاح‌های هسته‌ای توسط تایوان را بهانه‌ای برای آغاز جنگ دانسته‌اند که در این صورت، هزینه‌های گزافی را بر چین از جمله مقابله نظامی احتمالی با امریکا تحمیل خواهد کرد. بنابراین، همانگونه که اشاره شد، نه تنها منافع استراتژیک چین در شبه جزیره کره، بلکه مجموعه‌ای از عوامل مهم امنیتی موجب شده تا این کشور با حمایت جدی از پیونگ یانگ در قالب میزبانی و هدایت گفتگوهای شش‌جانبه و مقاومت در برابر وضع

مقایسه برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی و شیوه برخورد اژانس ...
تحریم‌های سنگین شورای امنیت، از اتخاذ هرگونه اقدام غیرضروری علیه کره شمالی ممانعت به عمل آورد، حال آن که نقش چین در موضوع هسته‌ای ایران تا حدی تعدیل‌کننده تحریم‌های اقتصادی صرفاً به دلیل تضمین امنیت انرژی می‌باشد. (Saalman, ۲۰۱۳: ۲۱)

۲- جمهوری فدراتیو روسیه

به طور کلی، خروج امریکا از پیمان ضدموشک‌های بالستیک (ABM)، حضور این کشور در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و وقوع تحولاتی نظیر حمله امریکا به افغانستان، جنگ عراق، انقلابات رنگین در کشورهای حوزه نفوذ روسیه، بهار عربی، بحران سوریه و نگرانی‌های این کشور را در پیشبرد اهداف سیاسی خود در برخی مناطق مهم جهان از جمله شبه جزیره کره و خاورمیانه افزایش داده است.

توسعه روابط سیاسی و اقتصادی در شبه جزیره کره از جمله اهداف اصلی در سیاست خارجی روسیه برای اعمال نفوذ بیشتر و تأمین منافع در این منطقه است که جز در صورت ثبات و امنیت آن که توسعه سلاح‌های هسته‌ای توسط کره شمالی و انجام آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای موجب تضعیف یا از بین رفتن رژیم عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای NPT در شبه جزیره و سپس در سایر مناطق جهان از جمله خاور میانه شود.

بنابراین، به نظر می‌رسد که روسیه برای دستیابی به اهداف استراتژیک و منافع حیاتی اقتصادی و سیاسی خود در شبه جزیره، بیشتر تمایل به پیگیری روند گفتگوها در مورد اتحاد دو کره باشد. تحقق این مسئله موجب خواهد شد امنیت و ثبات منطقه تضمین شده و خطر اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و نیز احتمال گسترش مسابقه تسلیحات هسته‌ای کاهش یابد. روسیه نیز همچون سایر بازیگران به عنوان یکی از اعضای گروه گفتگوهای شش‌جانبه خواستار شبه جزیره عاری از سلاح‌های هسته‌ای است تا از این طریق فرصت کافی را برای احیای روابط و نفوذ دیپلماتیک و اقتصادی در منطقه به دست آورد. لذا، این کشور در مواجهه با کره شمالی سیاست تعهد را بیش از سیاست مهار و تغییر رژیم که نهایتاً به بی‌ثباتی منجر شود، ترجیح می‌دهد.

بنابراین، این کشور در راستای دستیابی به دو هدف مهم خود در منطقه از یک طرف به جمع دو کشور ژاپن و امریکا در ابتکار امنیت اشاعه پیوست تا روابط خود را با این کشورها حفظ کند و از طرف دیگر، در جریان رأی‌گیری برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه کره شمالی در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت قاطعانه با هرگونه تهدید یا استفاده از زور علیه این کشور مخالفت نمود تا در پرتو آن ثبات و امنیت منطقه همچنان حفظ گردد. (Martin, ۲۰۰۷: ۷۷)

در رابطه با موضوع ایران نیز روسیه خواستار ایران مسلح به سلاح هسته‌ای نیست. در عین حال که خواستار اتخاذ اقداماتی به غیر از اقدام نظامی و استفاده از زور علیه این کشور است.

سیاست روسیه در قبال موضوع هسته‌ای ایران در مقایسه با سایر کشورهای درگیر در پرونده هسته‌ای ایران متفاوت بوده و مخالفت یا موافقت این کشور با وضع تحریم‌های سنگین علیه ایران متأثر از شرایط خاص زمانی و مکانی و نیازها و تهدیدات حاکم بر منطقه خاورمیانه است. در واقع، کشورهای عربی منطقه به جهت ترس از تهدید هسته‌ای ایران، تمایل به خرید تسلیحات نظامی پیشرفته و جدید از کشورهایی همچون روسیه دارند. لذا، از این جهت فروش فزاینده تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه می‌تواند منافع اقتصادی بسیاری را برای روسیه در پی داشته باشد، هرچند تداوم این سیاست در بلندمدت به دلیل احتمال مسابقه تسلیحاتی میان کشورها می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری را برای ثبات و امنیت منطقه به دنبال داشته باشد.

شاید بتوان یکی از دلایل مهم مخالفت روسیه با وضع تحریم‌های سنگین‌تر یا استفاده از زور علیه ایران را منافع فراوان ناشی از همکاری با این کشور در بخش انرژی از جمله تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و ارسال سوخت برای راه‌اندازی آن دانست. علاوه بر این، ایران دارای همکاری‌های نزدیکی با روسیه در حوزه نفت و گاز و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با آن می‌باشد که این مسئله می‌تواند منافع مالی مشترک دو کشور را تضمین و تأمین نماید. لذا، هرگونه تصویب تحریم‌های مالی و اقتصادی بیشتر علیه ایران، خسارات هنگفتی را متوجه روسیه به دلیل کاهش حجم مبادلات اقتصادی و مالی و سرمایه‌گذاری در بخش انرژی خواهد کرد. (Long, ۲۰۱۸: ۲۰)

در میان کشورهای مختلف جهان، نقش و اهمیت سیاست روسیه در پرونده هسته‌ای ایران از برجستگی خاصی برخوردار است. تنها دلیل این امر دخالت این کشور در اجرای نخستین و مهم‌ترین طرح هسته‌ای ایران در نیروگاه بوشهر نیست، بلکه عضویت آن در هیئت حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یکی از پنج قدرت شناخته‌شده هسته‌ای و نیز عضویت دائم آن در شورای امنیت از جمله دیگر عوامل اهمیت آن است. از این‌رو، در شرایطی که پرونده هسته‌ای ایران به عنوان یکی از موضوعات مهم بین‌المللی در دستور کار آژانس قرار دارد، سیاست‌های روسیه در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

«ولادیمیر پوتین» بعد از این که برای سومین بار سکان رهبری روسیه را به دست گرفت، در نخستین روز فعالیت خود در کرملین طی فرمانی با عنوان «تدابیری برای اجرای سیاست خارجی روسیه» وزارت امور خارجه این کشور را موظف به حداکثر تلاش در این زمینه کرد. «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، خطاب به وزارت امور خارجه این کشور با تأکید بر لزوم حل و فصل موضوع برنامه هسته‌ای ایران از راه‌های سیاسی، این وزارتخانه را موظف به حداکثر تلاش در این زمینه کرد. در دستور پوتین آمده است: باید تلاش کرد وضع پیرامون برنامه‌های هسته‌ای ایران صرفاً از راه‌های سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل شود.

رئیس‌جمهوری روسیه در این فرمان همچنین بر لزوم حل و فصل اختلافات درباره موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران از طریق برقراری گفتگوها بر اساس اصول گام‌به‌گام و اقدام متقابل تاکید کرد.

همه این موارد نشان می‌دهد که روسیه نگاه ویژه‌ای به برنامه هسته‌ای ایران دارد. وزیر امور خارجه روسیه درباره بحث احتمال حمله اسرائیل و امریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز سخن گفته است. در این زمینه، سرگئی لاوروف با تأسف اعتراف کرد که تجربه لیبی نشان داد که سناریوی نظامی در این زمینه هم می‌تواند عملی شود که روسیه به همین علت نسبت به همه حرکت‌ها در شورای امنیت سازمان ملل متحد دقت کامل از خود نشان می‌دهد. سرگئی لاوروف تاکید کرد که در حال حاضر هیچ سندی وجود ندارد که دال بر اتخاذ تصمیم در ایران درباره بخشیدن «بعد نظامی» به برنامه هسته‌ای باشد. وی اظهار داشت که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تماماً زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجرا می‌شود. وی یک بار دیگر تأکید کرد که همه فعالیت‌های ایران در زمینه هسته‌ای کاملاً مشروع است، زیرا به وسیله قرارداد منع اشاعه و مقررات آژانس قدغن نشده است.

۳- ایالات متحده امریکا

نقش امریکا به عنوان یک بازیگر جهانی در بحران کره و حضورش در شبه‌جزیره کره بسیار مهم می‌باشد. بطوری که از دید واشنگتن، خروج امریکا از منطقه می‌تواند موازنه نظامی را به نفع کره شمالی تغییر دهد. در سالهای نیمه دوم قرن بیستم، راهبرد امریکا در قبال کره شمالی مشخصاً ممانعت از حمله این کشور به کره جنوبی و یا همان مهار کره شمالی بوده است. این سیاست شامل قطع هرگونه مراودات اقتصادی با کره شمالی با هدف تضعیف و مشروعیت‌زدایی از حاکمیت سیاسی این کشور بوده است. از دهه ۹۰ میلادی، دو تحول مهم باعث شد که امریکا در سیاست منزوی نمودن کره شمالی تجدیدنظر نماید: یکی پیشرفت این کشور در برنامه هسته‌ای و موشکی و دیگری کمبود مواد غذایی گسترده. امریکا در برخورد با برنامه هسته‌ای کره شمالی، سیاست‌های چندگانه‌ای را دنبال می‌نماید؛ از یک طرف، با اعمال تحریم‌ها و فشارهای مضاعف بر کره شمالی، سعی در کنترل توسعه نظامی این کشور دارد و از طرفی دیگر، تعجیلی در خاتمه بخشیدن به این بحران ندارد، چرا که همواره از بحران کره شمالی به عنوان عاملی برای توجیه حضور مستقیم خود در منطقه و کنترل تحولات حوزه شرق آسیا بهره برده است.

اساساً بحران‌سازی در این منطقه با توجه به تأثیرگذاری قدرتهای بزرگ منطقه نظیر روسیه و چین، از جمله استراتژیهای امریکا محسوب می‌گردد. امریکا با این سیاست توانسته است

شبه‌جزیره کره را به یکی از مناطق بحرانی تبدیل کند. در مجموع، می‌توان گفت که از زمان شکل‌گیری بحران هسته‌ای کره شمالی در دهه ۹۰ میلادی، از این مسئله ابراز نگرانی کرده و بدنبال آن بوده است که مانع از دستیابی کره شمالی به سلاح هسته‌ای شود و هم بهانه لازم را برای تداوم حضور خود در منطقه شرق دور جهت حفظ موازنه قدرت در منطقه بدست آورده است. اما آزمایش‌های هسته‌ای کره شمالی نشان داد که آمریکا در این زمینه چندان موفق نبوده است. از آن زمان تاکنون، کره شمالی هژمونی آمریکا را تهدید کرده و نشان داده که این کشور در شکل دادن به رفتار کشورها و ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل کنترل چندانی ندارد و این مسئله خود به نوعی باعث به چالش کشیده شدن هژمونی آمریکا شده است.

در مقابل، راهبرد آمریکایی‌ها برای به زانو درآوردن کره شمالی، اعمال تحریم‌های شدید علیه این کشور و در کنار آن تهدید به حمله نظامی و داشتن گزینه‌های بر روی میز برای حل این بحران بوده است. اما این برخوردها نیز تاکنون اثربخش نبوده است و واشنگتن را مجبور ساخته تا از طریق گفتگو و مذاکره بدنبال حل مسئله باشد که نمونه آن را می‌توان در گفتگوهای دوجانبه، سه‌جانبه و شش‌جانبه و مذاکرات اخیر سران دو کشور در سنگاپور و هانوی مشاهده کرد. در کل، راهبرد آمریکا چه در دوره جمهوری خواهان و چه در دوره دموکراتها در برخورد با بحران کره شمالی، بهره‌گیری از سیاست هویج و چماق بوده است. از یک طرف، در مقطعی به کره شمالی پاداش داده‌اند (کمک‌های غذایی) و با این کشور وارد مذاکره شده‌اند و از طرف دیگر، شاهد اعمال تحریم‌ها و تهدید به حمله نظامی به پیونگ یانگ بوده‌ایم.

ایالات متحده همواره نگرانی زیادی به خاطر مقاصد ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای داشته است. به رغم تلاش آمریکا برای تحریم‌های بین‌المللی در زمینه همکاری هسته‌ای، کارشناسان غربی تأکید می‌کنند که ایران توانسته کمک‌های مهمی را برای کسب تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم از کشورهای هم‌چون پاکستان کسب کند. (Kemp, ۲۰۰۴: ۱۳)

کارشناسان آمریکایی به ویژه بر عدم توجیه اقتصادی برنامه هسته‌ای ایران تأکید دارند، به این خاطر استدلال می‌کنند که قصد ایران پیگیری برنامه‌های تسلیحاتی بوده است. در حالی که در این باره باید به این مسئله نیز توجه نمود که ایران هنوز در تحریم است و در بسیاری از موارد به راحتی به بازار آزاد دسترسی ندارد. به این خاطر برای پیش‌برد پروژه‌های خود با مشکلات اجرایی متعددی روبروست و در مواردی حتی هزینه‌های بیشتری صرف می‌کند. از طرف دیگر، مسلماً اجرای پروژه‌هایی در زمینه چرخه سوخت هسته‌ای در داخل کشور، با تکیه بر امکانات داخلی، هزینه تمام‌شده کمتری را در پی دارد و حتی از هزینه پروژه مشترک با کشورهای صنعتی به خصوص از نوع «کلید در دست» کمتر است. در این رابطه به ویژه باید تأکید کرد که

ایران هنوز تضمین لازم برای تأمین نیازهای هسته‌ای را از کشورهای اروپایی دریافت نکرده است. در واقع، کشورهای صنعتی تاکنون هیچ نوع تعهد الزام‌آور حقوقی جهت تأمین سوخت مورد نیاز در طول عمر رآکتورهای هسته‌ای را نداده‌اند. (Gunther&Meier, ۲۰۱۸: ۲۴)

این مسئله هر کشوری را مجبور به انتخاب گزینه خودکفایی می‌نماید. مقام‌های آمریکایی تأکید می‌کنند که به رغم تمام سخنان آشتی‌جویانه، مقام‌های ایرانی درباره حدود برنامه هسته‌ای ایران صادق نبوده‌اند، به ویژه که اقدامات و عملکرد آن‌ها را با عملکرد لیبی در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مقایسه می‌کنند. این مقام‌ها تصریح دارند که ایران تا زمانی که توسط گزارش‌های آژانس مجبور نشود، درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود حقیقت را نگفت و حتی بعد از آن، توضیح روشنی درباره چگونگی توانایی ایران برای گسترش برنامه‌های غنی‌سازی‌اش ارائه نکرد. پادمان معاهده منع گسترش هسته‌ای NPT به منظور تضمین غیرنظامی بودن مواد و تجهیزات اتمی کشورها تأسیس شد. به این خاطر، قصور کشورها در ارائه اطلاعات در این زمینه اهمیت بسیار زیادی دارد.

ایران تأکید می‌کند که قصور اعلام شده در گزارش‌های ایران بسیار جزئی است. اما کارشناسان آمریکایی استدلال می‌کنند که چنین گزارشی به خاطر مسئله برنامه تسلیحاتی اتمی از زمانی که تنها مرتبط با مواد و تجهیزات اتمی صرف باشد، با اهمیت‌تر است؛ به خصوص که این رویه می‌تواند الگویی برای فریبکاری دیگر کشورها باشد. (Quillen, ۲۰۱۲: ۷۰)

برطبق گزارش‌های آژانس، ایران از دو متد (روش) جداگانه برای غنی‌سازی اورانیوم بهره گرفته است و به جداسازی پلوتونیوم می‌پردازد که این مسئله به خاطر نزدیک شدن ایران از نظر تکنولوژیکی به ساخت سلاح‌های هسته‌ای، اهمیت زیادی دارد. آمریکا تأکید می‌کند که نمی‌توان در این مورد تنها به رویه‌های عادی بین‌المللی بسنده کرد. در حالی که بعضی از اعضای شورای حکام آژانس معتقدند که با اعمال پروتکل الحاقی و بازرسی‌های دقیق آن می‌توان از متوقف شدن مقاصد تسلیحات هسته‌ای ایران در سایه برجام مطمئن شد. (Albright, ۲۰۰۴: ۵)

دو مسئله کسب پرستیژ و ایجاد بازدارندگی از عوامل قدرتمندی است که در حکومت‌های ایران چه در گذشته و چه در امروز توانسته‌اند بر اساس آن به قدرت سیاسی خود بیفزایند. مسئله بااهمیت در برنامه هسته‌ای ایران این است که از دید آمریکا و اسرائیل، ایران مشغول تحقیق، آزمایش و تولید سلاح هسته‌ای است. با این حال و با وجودی که این دو کشور سال‌ها در چنین مسأله‌ای تأکید داشته‌اند، نتوانسته‌اند مدرک قابل‌قبولی ارائه کنند. آن‌ها تنها به صورت غیرمستقیم در ارزیابی‌های خود به وجود چنین برنامه‌ای اشاره می‌کنند. یک تئوری آنها این است که عبدالقدرخان (پدر بمب اتمی پاکستان) و شبکه‌اش که از دید آمریکا تأمین‌کننده و

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸
حامی برنامه ساخت ساتترفیوژ در ایران و لیبی بودند، در طراحی و اجرای برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران به این کشور کمک کرده‌اند. (Donnelly, ۲۰۰۴: ۹۰)

اوباما بسیار هوشمندانه در پی آن بود که به یک اجماع‌سازی بین‌المللی در لایه‌های گوناگون علیه ایران دست یابد. تیم اوباما به خوبی واقف بودند که فشارهای کنترل نشده بر ایران می‌تواند از تهدید ایران خارج و به فرصتی در راستای مانور سیاسی و امنیتی ایران در منطقه نوهارتلند (فلات ایران، خلیج فارس و جنوب عراق) تبدیل شود. آمریکایی‌ها مترصد بودند که زمینه‌ساز ایجاد این اجماع بین‌المللی با مدیریت اعمال فشار بر ایران شوند. لذا تلاش کردند از رویکرد رادیکالانه اسرائیل و نومحافظه‌کاران آمریکایی که در آستانه انتخابات ۲۰۱۲ نیازمند اعمال سیاست‌های تخریبی علیه اوباما بود، جلوگیری کنند و هم زمینه‌ساز اعمال تحریم فلج‌کننده متراکم بر علیه ایران باشند.

از این رو، اوباما از یک سو اسرائیل را از اقدام نظامی احتمالی بر علیه ایران باز می‌دارد و از سوی دیگر، با در نظر داشتن برنامه هسته‌ای ایران در پس ایجاد یک ره‌نگاشت یا نقشه راه فضا‌سازی مثبت در مسیر تحریم‌های فلج‌کننده متراکم است. از این رو، پرونده هسته‌ای ایران به عنوان هارت کور یا مرکزیت اصلی در راستای این معنا کاربرد دارد و کمر بند این مرکزیت اصلی طرح مسأله حقوق بشر در ایران بود. از این رو، باید پذیرفت برنامه هسته‌ای ایران بهترین بهانه را به تیم اوباما داده بود که اجماع جهانی و منطقه‌ای را در گستره بین‌المللی علیه ایران فراهم سازد. این که آیا ایران از مسیر قوانین ناظر بر NPT و دیگر قوانین دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز خارج شده است یا نه، بحثی حقوقی است که در جای آن باید از منظر واقع‌بینانه به آن نگریست؛ اما این واقعیت‌نگری است که از بعد از روی کار آمدن اوباما، پرونده هسته‌ای به عنوان مرکزیت اجماع‌بخش ایرانیان مطرح نیست، بلکه به عنوان مرکزیت اجماع‌بخش علیه ایران مطرح شده است و این را می‌توان یکی از دستاوردهای اوباما دانست که می‌خواست از این دستاورد بهره‌برداری بهینه در راستای اعمال فشار بیش‌تر بر ایران کسب نماید. در این فضا باید گفت پرونده هسته‌ای بهترین بهانه برای این منظور بود. آنچه که اهمیت داشت، آن است که در دو مرتبه پیش که بازرسان آژانس به ایران آمدند، اجازه نداشتند پارچین را ببینند و در این فضا، آنها سعی کردند با اقدامات امنیتی مبنی بر فعالیت مشکوک در پارچین که از سوی ماهواره‌های جاسوسی مخابره شده بود را مورد بهره‌برداری علیه ایران قرار دهند. (دریایی، ۱۳۹۴: ۳۸)

دولت اوباما هم‌زمان با اعمال شدیدترین تحریم‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به مهم‌ترین توافق بین‌المللی هسته‌ای با ایران دست یافت. دولت ترامپ این توافق را بدترین توافق می‌داند که تاکنون صورت گرفته است. او ایران را مهم‌ترین حامی تروریسم اعلام کرده که به دنبال بی‌ثبات‌سازی منطقه و ضربه‌زدن به منافع آمریکا و

متحدان منطقه‌ای آن است. به نظر می‌رسد دولت ترامپ هنوز به راهبرد مشخصی در مورد ایران نرسیده است. شناخت ترامپ از جهان سیاست و ایران بسیار محدود و ساده‌انگارانه است. (عابدینی، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۷)

در سطح منطقه‌ای و حوزه نظامی، رژیم صهیونیستی و عربستان دولت ترامپ را تشویق می‌کنند که نسبت به ایران مواضع تندتری داشته باشد و حتی او را تشویق به حمله به ایران خواهند کرد. آزمایش موشکی، انتقال سلاح به یمن و سوریه و درگیری‌های نظامی محدود در خلیج فارس، زمینه‌های اقدامات تندتر ترامپ علیه ایران در حوزه نظامی به شمار می‌آیند. ترامپ برخلاف اوباما، شخصیتی اقتدارگرا و خودرأی دارد و کمتر با دیگران مشورت می‌کند و بیشتر دست به اقدامات ناگهانی می‌زند. از این نظر، احتمال بروز تنش نظامی بین ایران و آمریکا در این دوره به شدت افزایش یافته است.

دو سناریو برای برخورد نظامی بین دو کشور قابل تصور است: نخست، ممکن است ترامپ برای نشان دادن قاطعیت خود به ایران، به بهانه‌های کوچک مانند تنش بین نیروهای نظامی ایران و آمریکا در خلیج فارس یا انتقال سلاح به یمن و رویدادهای مشابه دست به اقدام نظامی محدود بزند. دوم، زمانی ممکن است دولت ترامپ برای انحراف افکار عمومی از مسایل و مشکلات دیگر، دست به اقدام نظامی علیه ایران بزند.

ترامپ برجام را بدترین توافق برای آمریکا و بهترین توافق برای ایران می‌داند. ترامپ طرفدار وضع تحریم‌های غیرهسته‌ای جدیدی علیه ایران پس از خروج از برجام بوده و هست. افراد تیم ترامپ به شدت ضدایرانی هستند؛ آن‌ها ایران را حامی اصلی تروریسم می‌دانند و بر این باورند که ایران در پی بی‌ثبات‌سازی منطقه است.

رفتارها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران باید بسیار هوشمندانه و همراه با دوراندیشی و آرامش باشد. دولت فعلی آمریکا در اوج مبارزه‌طلبی است و هنوز با پیچیدگی‌های سیاست آشنا نشده و شکست را تجربه نکرده است. در چنین شرایطی، ایران نباید خود را به دستور کار این دولت تبدیل کرده و در سیل قدرت‌طلبی آن قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران جدا از تحولات به وجود آمده در سیاست آمریکا، باید در چهارچوب اهداف و منافع خود و ارزش‌ها و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی عمل کند. (نورعلی‌وند، ۱۳۹۷: ۴۴)

چرا ترامپ پیش از انتخابات ۲۰۲۰ بدنبال توافق با ایران و کره شمالی است؟

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تیرماه سال جاری برای دیدار کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، وارد منطقه غیرنظامی روستای صلح در مرز دو کره شد. در ملاقات ترامپ و اون، مایک پمپئو، مایک مولوینی، جرد کوشنر، ایوانکا ترامپ و همچنین

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هشتم، پاییز ۱۳۹۸

آقای تاکر کارسون، مجری معروف شبکه فاکس نیوز، رئیس‌جمهور را همراهی می‌کردند. این در حالی است که جان بولتون، مشاور امنیت ملی ترامپ، از این سفر کنار گذاشته شده بود.

ترامپ رهبر کره شمالی را به کاخ سفید دعوت کرد. بعد از این دیدار، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر این که دولت ترامپ دیگر اصراری بر خلع سلاح هسته‌ای این کشور ندارد و صرفاً به انجماد برنامه هسته‌ای کره شمالی قناعت خواهد کرد. آقای بولتون در واکنش به این گزارش‌ها گفت: «من یا دیگر اعضای شورای امنیت ملی در مورد قانع شدن به انجماد برنامه هسته‌ای صحبت نکردیم». بدون شک، برخی مقامات نزدیک به رئیس‌جمهور او را تحت فشار قرار داده‌اند. آنها باید با عواقب این اقدام خود روبرو شوند. در نهایت، استیفن بیگان، نماینده ویژه وزارت خارجه در امور کره شمالی، بعد از بازگشت در کنفرانس خبری خود اعلام کرد که دولت ترامپ در حال بررسی سیاست انجماد کامل برنامه هسته‌ای کره شمالی برای آب کردن یخ روابط واشنگتن با پیونگ یانگ است.

سیاست خارجی ترامپ در چند سال اخیر مسیر پریپیچ‌وخمی را دنبال کرده است. اما آقای ترامپ بالاخره با عواقب سیاست‌های متناقض خود روبرو شده است. ترامپ تاکنون دو تصویر متمایز از خود در افکار عمومی شکل داده است: یک تصویر معامله‌گر و دیگری جنگ‌گرا.

در تیرماه سال جاری، حساس‌ترین لحظه در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ به وقوع پیوست. بعد از آن که ایران پهپاد جاسوسی امریکا را در نزدیکی تنگه هرمز سرنگون کرد، ترامپ در ابتدا دستور حمله به برخی از مواضع ایران را صادر کرد و در نهایت، از تصمیم خود منصرف شد. در این لحظه حساس، تناقض‌های سیاست ترامپ در قبال ایران به خوبی آشکار شدند. او از توافق هسته‌ای خارج شد و کمپین فشار حداکثری را علیه ایران شروع کرد. او همچنین بدنبال جلوگیری از جنگ دیگری در خاورمیانه بود. اما دستیابی به این دو هدف به صورت همزمان امکان‌پذیر نبودند. شاید او تصور می‌کرد که ایرانی‌ها تحت فشار تسلیم خواهند شد، یا این که از موضع ضعف به میز مذاکره بازخواهند گشت. اما سناریوی محتمل‌تر این است که او در مورد عواقب اقدامات خود فکر نکرده بود.

ظاهراً آقای ترامپ قصد دارد که پیش از انتخابات ۲۰۲۰ تصویر یک معامله‌گر ماهر را از خود به تصویر بکشد، اما خطرات بزرگی پیش روی امریکا قرار دارند. ممکن است او توافق‌های بدی را با کشورهای دیگر امضاء کند و برای همیشه سطح نفوذ امریکا در سطح دنیا را کاهش دهد. (محمدزاده، ۱۳۹۸: ۱۰)

نتیجه‌گیری:

در این نوشتار تلاش گردید از منظرهای مختلف به برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی نگرسته شود. همانگونه که اذعان گردید، اگرچه از نظر ماهیتی می‌توان پرونده هسته‌ای کره شمالی را بی‌ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران دانست، اما محیط امنیتی و شرایط سیاسی که این دو پرونده در آن شکل گرفته‌اند و به مرحله کنونی رسیده است، تا حد بسیاری به هم شبیه و از برخی جهات به هم وابسته‌اند. در این حین، جایگاه برخی قدرت‌های بزرگ جهانی نظیر امریکا، روسیه و چین بسیار پررنگ‌تر می‌باشد و نوع رفتار و معیار این بازیگران با برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی متفاوت، تبعیض‌آمیز، دارای پیچیدگی و متأثر از منافع اقتصادی و استراتژیک آنها در منطقه خاورمیانه و خاور دور است.

کشور امریکا نگران این مسئله هست که تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران موجودیت اسرائیل را در منطقه با تهدید و بحران روبرو کند. به همین دلیل تلاش می‌کند با هدایت سیاستها و مواضع کشورهای منطقه خاورمیانه، نه تنها مانع از دستیابی ایران به اهداف صلح‌آمیز خود شود، بلکه از تغییر سیاستهای کشورهای منطقه به سمت هسته‌ای شدن نیز جلوگیری به عمل آورد. در خصوص کره شمالی، امریکا در جستجوی خلع سلاح اتمی این کشور بدون دادن هرگونه امتیاز و حضور کامل در منطقه شرق دور و شبه‌جزیره کره می‌باشد. روسیه و چین از جمله مخالفان اصلی اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران می‌باشند که لزوم تضمین منافع آنها در منطقه خاورمیانه، زمینه‌ساز اتخاذ گام‌هایی در جهت تعدیل تحریم‌ها شده است.

نکته حائز اهمیت این است که حمایت روسیه و چین از ایران در مقایسه با کره شمالی به مراتب کمتر می‌باشد. چین تلاش می‌کند تا با ایجاد ثبات و امنیت در منطقه شبه‌جزیره کره به عنوان منطقه حوزه نفوذ این کشور مانع از هسته‌ای شدن کشورهای منطقه شود. روسیه نیز با هدف مقابله با سیاستهای یک‌جانبه‌گرایانه امریکا و نیز دستیابی به اهداف اقتصادی خود در شبه‌جزیره کره تلاش می‌کند تا امنیت و موازنه قوا در منطقه به دور از هرگونه بحران و فضای امنیتی خاص حفظ شود.

همچنین در این نگارش سعی گردید که علاوه بر بررسی جایگاه قدرت‌های بزرگ جهانی به برنامه هسته‌ای این دو کشور از پنجره رژیم‌های امنیتی بین‌المللی پرداخته شود. در چهارچوب مکاتبی مثل رژیم‌های بین‌المللی، بخصوص رژیم‌های امنیتی بین‌المللی، برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی مورد سنجش قرار گرفت و میزان حساسیت، آسیب‌پذیری، همکاری، منافع و هویت‌ها مورد توجه قرار گرفت.

در پایان باید به این نکته اشاره شود که رژیم‌های بین‌المللی، خصوصاً بخش‌های امنیتی

آن‌ها توسط صاحبان قدرت به وجود می‌آیند و توسط همین قدرت‌های بزرگ است که روزی نابود می‌شوند و در چهارچوب این رژیم‌ها، هیچ جایگاه مهمی برای کشورهای جهان سومی نظیر ایران و کره شمالی نمی‌توان قائل گردید. چالرز کیندل برگر معتقد است: کشوری که می‌خواهد نقش ابرقدرت جهانی ایفا کند، باید اقدام به کنترل سلاح‌های هسته‌ای در جهان و محدود نگه داشتن دارندگان آن نماید. حفظ انحصار سلاح‌های هسته‌ای در جمع محدودی از بازیگران، یکی از اقداماتی است که یک ابرقدرت باید انجام دهد.

کشورهایی که تاکنون به باشگاه هسته‌ای پیوسته‌اند، همگی برای این کار رضایت ضمنی و صریح یک قدرت یا ابرقدرت را به خود همراه داشته‌اند. کره شمالی و ایران تنها کشورهایی هستند که به نوعی از داشتن این حمایت تاکنون بی‌بهره بوده‌اند.

منابع

الف: منابع فارسی

- آزکان، مایکل وی (۱۳۹۷). **جنگ کره**، ترجمه سهیل سمی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ققنوس.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۹۳). **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه‌های تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها، و فرآیندها)**، ترجمه: ابوالقاسم چمنی و دیگران، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- دریایی، محمدحسن (۱۳۹۴). **مجموعه اسناد مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵+۱**، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قوام، سید عبدالعلی و محسنی، سمیرا (۱۳۹۷). **دیالوگ میان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در آغاز هزاره سوم**، تهران: نشر مخاطب.
- شی‌رو، ویکتوریا (۱۳۹۵). **ساخت بمب اتمی**، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: انتشارات ققنوس.
- کریمی‌کشه، سعید (۱۳۹۶). **رژیم‌های امنیتی بین‌المللی**، مشهد: انتشارات پریس.
- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۶). **مطالعه تطبیقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی از نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی**، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و پنجم، پاییز.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵). **پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام: رویکردی استراتژیک**، مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان.
- شاهپوری، مهدی (۱۳۹۵). **توافق هسته‌ای؛ برآوردی متن‌محور**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان.
- شاهپوری، مهدی (۱۳۹۷). **آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی: دلایل و پیامدها**، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره هفتاد و سوم، اردیبهشت.
- قربانی، ارسلان (۱۳۹۶). **تأثیر سیاست بین‌الملل بر رژیم‌های بین‌المللی: بررسی انتقادی NPT**، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره دوم، شماره نوزدهم، زمستان.
- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵). **مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه‌های پیش از آن**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان.
- محمدزاده، محمدولی (۱۳۹۸). **چرا ترامپ پیش از انتخابات ۲۰۲۰ دنبال توافق با ایران و کره شمالی است؟**، روزنامه آسیا، تابستان.
- نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۷). **الزامات و بایسته‌های سیاست خارجی ایران در شرایط برجام بدون آمریکا**، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره هفتاد و پنجم، تابستان.

ب: منابع لاتین

- Albright, David (۲۰۰۴). **Hinderstien cory, Iran: Conutdown to showdown**, vol.۶, no.۶.
- Alexandre, Legar (۲۰۱۴). **Why no Nuclear Domino? The Case of North Korea and its Neighbours**, papers from the ۱۶th annual graduate student symposium.
- Bates, Gill (۲۰۱۵). **China and Nuclear Arms Control: Current Positions and Future Policies**, SIPRI Insights on Pease and Security.
- Coats, Daniel (۲۰۱۸). **World Wide Threat Assessment of the US Intelligence Cmmunity**.
- Donnelly, Thomas (۲۰۰۴). **A strategy for nuclear Iran**, www.Aei.org/publication/pub/ID.۲۱۳۰۷/Pub-detail -asf.
- Einhorn, Robert (۲۰۱۶). **The NPT Review Process: The Need for a more Productive**, Published on Control Association (<https://www.armscontrol.org>).
- Gunther, Hilpert Hanns and Meier, Oliver (۲۰۱۸). **Facts of the North Korea Conflict, Actors, Problems and Europe's Interests**, German Institute for Hnternational and Security Affairs, SWP Research Paper.
- Glaser, Bonnie and Liang, Wang (۲۰۰۸). **North Korea: The Beginning of a China-US Partnership?** The Washington Quarterly, Vol.۳۱, No.۳.
- Kemp, Geoffrey (۲۰۰۴). **Iran's Bomb's and what to do about it, Iran's BOMB**, American and Iranian perspective, the Nixon Center.
- Long, Astin (۲۰۱۸). **Russian Nuclear Forces and Prospects for Arms Control**, Testimony of Astin Long, the Rand Corporation.
- Martin, Laurence (۲۰۰۳). **"The future Strategic role of iran" in Hossien Amir Sadeghi (Ed), Twentieth century Iran**, London heinemanh.
- Quillen, Chris (۲۰۱۲). **"Iranian nuclear weopens policy: post, present and possible future"**, Middle East of Internatinal Affairs (MERIA) lisreal, herzliya; Gloria center.
- Saalman, Lora (۲۰۱۳). **Balancing Chinese Interests on North Korea and Iran**, Carengie-Tsinghua Center for Global Policy.
- Shen, Dingli (۲۰۰۶). **Can Sanctions Stop Proliferation?** The Washington Quartery, Vol.۳۱, No.۳.
- Wade L., Huntley (۲۰۱۶). **Rebels without a Cause: North Korea, Iran and the NPT**, The Royal Institute of International Affairs.
- Ying, Fu (۲۰۱۷). **The Korean Nuclear Issue: Past, Present and Future**, a Chinese Perspective, China Center at Brookings Sterategy Paper.